



Strategies of Resistance in the Waiting (for Imam Mahdi) Era from the Perspective of the Holy Qur'an

Mohammad Saharkhan¹

Received: 05/05/2020

Accepted: 10/08/2020

Abstract

One of the issues that can be raised about the relationship between the Islamic Resistance and the worldwide Mahdism government is the nature of the strategies of resistance in the waiting era from the perspective of the Holy Quran. The purpose of identifying the strategies of the resistance is to use them and to strengthen the intellectual and cultural front of the resistance in the era of waiting and providing the context for (Imam Mahdi) reappearance. Dealing with the strategies of resistance in the waiting era highlights the significance of Mahdism culture in the contemporary world and the important role of Islamic resistance in providing the context for (Imam Mahdi) reappearance. These strategies can be examined in three areas: Insight Strategies, Orientation Strategies, and Action Strategies. This study examines the natures of the strategies of resistance in all three areas from the perspective of the Qur'an. Insight strategies works on issues such as the thought of worldwide government and paving the way for the right government, justice, and the defense of the oppressed. In orientation strategies, issues such as the role of authority and capability, not relying on oppressors and the hope of victory are discussed, and in action and behavioral strategies, the role of piety, patience and perseverance, self-sacrifice and enjoining the good and forbidding the evil in resistance in the waiting era are dealt with. The method of this study is descriptive-analytical.

Keywords

Resistance, waiting for Imam Mahdi (as), strategy, the era of occultation.

1. Assistant professor at Research Center for Qur'anic Sciences and Culture, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. m.saharkhan@isca.ac.ir.

Saharkhan, M. (2020). Strategies of Resistance in the Waiting (for Imam Mahdi) Era from the Perspective of the Holy Qur'an. *The Quarterly Journal of Studies of Qur'anic Sciences*, 2(4), pp. 166-194. Doi: 10.22081/jqss.2020.57565.1055



راهبردهای مقاومت در دوره انتظار از منظر قرآن کریم

محمد سحرخوان^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۰

چکیده

یکی از موضوعاتی که درباره ارتباط مقاومت اسلامی و حکومت جهانی مهدوی قابل طرح است، چستی راهبردهای مقاومت در دوره انتظار از دیدگاه قرآن کریم است. هدف از شناخت چستی راهبردهای مقاومت، به کارگیری آنها و تقویت فکری و فرهنگی جبهه مقاومت در دوره انتظار و زمینه‌سازی ظهور است. پرداختن به راهبردهای مقاومت در دوره انتظار، برجستگی فرهنگ مهدویت در جهان معاصر و نقش مهم مقاومت اسلامی برای زمینه‌سازی ظهور را نمایان می‌کند. این راهبردها را می‌توان در سه حیطه بررسی کرد: راهبردهای بینشی، راهبردهای گرایشی و راهبردهای کنشی. در این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است، چستی راهبردهای مقاومت در هر سه حیطه از دیدگاه قرآن بررسی می‌شود. در راهبردهای بینشی به تبیین موضوعاتی مانند اندیشه حکومت جهانی و زمینه‌سازی برای حاکمیت حق، عدالت‌گستری، دفاع از مظلومان و ستمدیدگان پرداخته می‌شود. در راهبردهای گرایشی موضوعاتی مانند نقش اقتدار و توانمندی، تکیه‌نکردن به ظالمان و امید به پیروزی مطرح می‌شود و در راهبردهای کنشی و رفتاری به نقش تقوا، صبر و پایداری، ایثار و امر به معروف و نهی از منکر در مقاومت در دوره انتظار می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها

مقاومت، انتظار، راهبرد، عصر غیبت.

۱. استادیار پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. m.saharkhan@isca.ac.ir

■ سحرخوان، محمد. (۱۳۹۹). راهبردهای مقاومت در دوره انتظار از منظر قرآن کریم. فصلنامه مطالعات علوم قرآن، ۲(۴)، صص ۱۳۶-۱۹۴.
Doi: 10.22081/jqss.2020.57565.1055

مقدمه

یکی از ابعاد ارتباط مقاومت و انتظار، توجه به راهبردهای مقاومت در دوره انتظار است. این راهبردها تک بعدی نیستند، بلکه تمامی حیطه‌های استکبارستیزی را دربرمی‌گیرند که افزون بر نقش دفاعی در مقابله با استکبار، نقش پیشرفتی در جوامع اسلامی دارند و به پیشرفت همه‌جانبه این جوامع کمک می‌کنند.

مقاومت و تسلیم‌ناپذیری در برابر دشمنان اسلام در دوره انتظار یکی از برنامه‌های اساسی اسلامی است که از آیات قرآن فهمیده می‌شود. اساسی‌ترین آموزه ادیان الهی، به‌ویژه مکتب اسلام، مبارزه با ظلم و دفاع در برابر زیاده‌خواهی دشمنان بشر است و این نه تنها دستور الهی، بلکه منطبق بر عقل و فطرت انسانی است؛ چون هر موجودی در برابر دشمنان از خود دفاع می‌کند.

پرداختن به راهبردهای مقاومت در دوره انتظار، برجستگی فرهنگی مهدویت در جهان معاصر و نقش مهم مقاومت اسلامی برای زمینه‌سازی ظهور را نمایان می‌کند.

راهبردهای مقاومت در دوره انتظار را می‌توان به راهبردهای بینشی، راهبردهای گرایشی و راهبردهای کنشی تقسیم کرد. راهبردهای بینشی آن دسته از آموزه‌های قرآنی‌اند که با آنها بینش و آگاهی عمیق به مسائل گوناگون در افراد ایجاد می‌شود و از این راه تحول درونی در انسان به وجود می‌آید تا زمینه برای تغییر گرایش‌های بیرونی انسان فراهم شود. راهبردهای گرایشی برآمده از راهبردهای بینشی است که در آنها راهکارهای افزایش میل و انگیزه درونی را در انسان ایجاد می‌کند. راهبردهای کنشی آن دسته از گزاره‌هایی هستند که با رفتار انسان سروکار دارند که با استفاده از آنها رفتارهای مطلوبی را ایجاد و تثبیت می‌کند.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. راهبرد

راهبرد، معادل «استراتژی»، اصل آن یک مفهوم نظامی است که در حوزه‌هایی مانند اقتصاد، تجارت، مدیریت، سیاست و فرهنگ نیز کاربرد دارد. راهبرد را می‌توان به

معنای سیاست، برنامه یا یک طرح کلان به منظور سازماندهی و مدیریت اقدامات گوناگون برای دستیابی به اهداف مشخص و بلندمدت با توجه به تغییرات محیطی و شکل دادن به آینده و کنترل آن دانست. یک راهبرد خوب، دربردارنده تعریف هدف بلندمدت، راهکارهای رسیدن به آن، چگونگی به کارگیری ظرفیت‌های گوناگون و پیش‌بینی منابع لازم است. طراحی و مدیریت راهبردی، نیازمند ذهنیتی پویا، آینده‌نگر، جامع‌نگر و اقتضایی و مدیریت راهبردی در مقایسه با سطوح دیگر مدیریت (عملیاتی، تاکتیکی و تکنیکی)، عالی‌ترین سطح مدیریت است (انوری، ۱۳۸۱، ص ۲۲۶۸).

برخی نیز راهبرد را به معنای سیاست‌گذاری، دانش یا فن بهره‌گیری از امکان‌های سیاسی اقتصادی روانی و نظامی برای تأمین بیشترین حمایت از سیاست پیش‌بینی شده (صدری افشار، ۱۳۸۱، ص ۹۵) تعریف کرده‌اند. با توجه به معانی ذکر شده، مراد از راهبرد در این مقاله به معنای برنامه‌ریزی و راهکار برای دستیابی به اهداف مشخص در دوره انتظار است.

۱-۲. مقاومت

واژه «مقاومت» از ریشه (ق.و.م) به معنای نیرو (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۱۴۸) استواری، ایستادن و استقامت (ابن‌منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۴۹۹) الزام و ثبات (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۹۳) اعتدال و استوا (زبیدی، ۱۴۲۸ق، ج ۱۷، ص ۵۹۳) و استواری (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۶۳) آمده است. واژه مقاومت در قرآن نیامده است؛ ولی مشتقات آن مانند «استقاموا» که به معنای مداومت بر ایستادگی، پایداری، التزام به پیمودن مسیر حق بدون انحراف و بازگشت است، در قرآن به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۹۲؛ فیومی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۵۲۱). برخی لغت‌شناسان می‌گویند: «استقامت درباره راهی گفته می‌شود که بر روی خط هموار است و راه حق به آن تشبیه شده است و استقامت انسان، یعنی متعهد بودن او در راه مستقیم» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۹۲)؛ برخی دیگر گفته‌اند: «استقامت دلالت می‌کند بر طلب قیام در هر امری، خواه ارادی، خواه طبیعی و خواه عملی باشد که دوام و استمرار از لوازم حقیقی آن است» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹، صص ۳۴۲-۳۴۳). از معانی گوناگون مقاومت چنین فهمیده می‌شود که مقاومت منحصر به رویارویی

در میدان جنگ نیست، بلکه هرگونه پایداری در برابر عوامل برهم‌زننده تعادل و توازن و پایداری در برابر هرگونه عامل بیرونی و درونی را مقاومت می‌گویند.

۳-۱. انتظار

انتظار در لغت به معنای چشم به‌راه بودن همراه با نگرانی است (زییدی، ۱۴۲۸ق، ج ۷، ص ۵۳۹؛ معین، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۶۴) و در اصطلاح کلامی که برگرفته از روایات است، همان چشم‌داشتن به وعده الهی همراه با سعی و تلاش در آماده‌ساختن روح و جسم خود و جامعه است برای روزی که با ظهور حضرت مهدی ۷ گشایشی در همه شئون زندگی بشر پدید آید (گل‌محمدی آرمان، ۱۳۸۴، ص ۲۴۱).

انتظار از نظر روان‌شناسی، کیفیتی روحی است که سبب پیدایش حالت آمادگی برای آنچه انتظار می‌رود می‌شود و نقطه مقابل آن یأس و ناامیدی است. ماهیت انتظار آمیزه‌ای از دو عنصر نفی و اثبات است: عنصر نفی به معنای بیگانگی با وضع موجود و ناخشنودی از آن و عنصر اثبات امید به آینده‌ای روشن و آرمانی و بسترسازی برای آن است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ج ۷، ص ۳۸۲؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۱۹).

۴-۱. انواع انتظار

انتظار از مهم‌ترین مباحث در دوره غیبت است و در روایات از بزرگ‌ترین اعمال شمرده شده است (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۰۱ و ۴۰۳). انتظار یعنی آماده‌باش کامل برای قرار گرفتن تحت فرماندهی امامی که هر لحظه ظهورش متوقع است. برداشت‌ها و تفاسیر مختلف از روایات انتظار موجب شده دیدگاه‌های متعددی درباره آن مطرح شود؛ از این‌رو انتظار به دو بخش عمده تقسیم می‌گردد: انتظار مثبت و سازنده و انتظار ویرانگر و منفی همراه با جمود و خمود.

۱-۴-۱. انتظار مثبت و سازنده

انتظار مثبت، سازنده و بالنده، عبارت است از دعوت به مقاومت در برابر دشمنان و

پذیرفتن باطل. فرد منتظر با انجام اعمال صالح و برخورداری از شهامت و آگاهی، خود و جامعه را مهیای ظهور منتظر می‌کند. ایستایی، بی‌توجهی و هم‌نوایی با وضع موجود و صرفاً منتظر ظهور موعود نشستن در این نگرش کاملاً مطرود است. مراد از انتظار فرج در منابع روایی، انتظار اثرگذار است (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۱۹۴؛ ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ص ۴۷۹؛ مجلسی، ۱۳۹۷، ج ۵۲، ص ۱۲۲). همین انتظار، شیعه را همیشه در جهت حرکت انقلابی و تحول‌آفرین قرار داده است.

۱-۴-۲. انتظار منفی

این گونه انتظار، ناقص و در حد اصلاح فردی و گریه شوق در فراق موعود خلاصه می‌شود. گاهی نیز انحراف در این بینش به حدی می‌رسد که با تفسیر غیرصحیح و انحرافی بعضی روایات، ترویج فساد و ظلم و تسلیم در برابر دشمنان مقدمه ظهور پنداشته می‌شود. طرفداران این نوع انتظار، به مصلحان، مجاهدان و آمران به معروف و ناهیان از منکر با بغض و عداوت می‌نگرند؛ زیرا آنان را تأخیراندازان در ظهور می‌پندارند. اینان اگر خود هم اهل گناه نباشند، در اندیشه خویش به‌نوعی با رضایت به گناهکاران و عاملان فساد می‌نگرند. این گونه تفکر با معنای صحیح مقاومت که ایستادگی در برابر مستکبران و ستمگران را در پی دارد، سازگاری ندارد.

۲. راهبردهای مقاومت

راهبردهای مقاومت در سه حیطه بینش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌ها هستند. هر یک از این راهبردها در ادامه تبیین می‌شوند.

۲-۱. راهبردهای بینشی

۲-۱-۱. اندیشه حکومت جهانی و زمینه‌سازی برای حاکمیت حق

اسلام دینی جهانی است و مخاطبش همه انسان‌ها هستند؛ براین اساس ضمن تأیید و پذیرش جامعه جهانی، بر تشکیل آن در قالب امت واحده بر مبنای اندیشه مهدویت

تأکید دارد؛ چراکه در اندیشه مهدویت رسیدن جامعه بشری به مرحله تشکیل امت واحده و جایگزینی نظام امامت و نفی دولت‌های طاغوتی، جزو اصول اصلی دین اسلام به‌شمار می‌رود. اندیشه و فلسفه حکومت جهانی از مباحث اساسی مقاومت است که ریشه در قرآن و روایات دارد. در موضوع مقاومت در دوره انتظار به اندیشه و فلسفه حکومت جهانی توجه ویژه می‌شود. در اندیشه مقاومت، هدف پیروزی اسلام بر کفر جهانی و فراهم‌سازی پایه‌های حکومت جهانی موعود است. این‌گونه نگاه به مقاومت برگرفته از آموزه‌های مهدوی است که در پی اصلاح کل جهان و استقرار حکومت واحد جهانی است. نظام فکری شیعه در مکتب اهل بیت : بر اصل اساسی انتظار استوار است. امامان معصوم همواره اندیشه انتظار را در ذهن شیعیان بالنده و تقویت می‌کردند. هنگامی که از امام کاظم 7 علت عدم تحقق وعده‌های فرج که به شیعه داده شده است، پرسیده می‌شود، امام بیان می‌کنند همواره از شیعه خواسته شده است که در آمادگی مستمر به سر ببرد و فرج را نزدیک بشمارد تا آتش درونی‌اش به سردی نگراید (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۶۹). این آمادگی مستمر، بزرگ‌ترین فرهنگ‌سازی نوین شیعه برای مبارزه با ظالمان و حاکمان طاغوت است.

آموزه‌های اهل بیت : ظهور را به دغدغه دائمی شیعیان مبدل ساخت. ترغیب به کسب آمادگی‌های مختلف مانند آمادگی نظامی (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۵۳۵) از جلوه‌های آماده‌سازی شیعه در بستر تاریخ برای نفی حاکمیت طاغوت و نهادینه‌سازی فرهنگ مقاومت است. خواندن دعای عهد در هر بامداد برای فراموش نکردن اندیشه انتظار و تقویت این اندیشه است. در دعای عهد، منتظر واقعی، انسان خودساخته‌ای معرفی می‌شود که شمیر از نیام کشیده و با نیزه در دست برای همراهی با امام زمان آماده است (مجلسی، ۱۳۹۷، ج ۵۳، ص ۹۵). آیا انسانی با چنین بینشی در برابر ستمگران سکوت می‌کند یا در جهت زمینه‌سازی ظهور هر اقدامی را در جهت نفی حاکمیت ستمگران انجام می‌دهد؟

۲-۱-۲. اعتقاد به ولایت فقیه

یکی از مقومات بینشی در مقاومت در عصر انتظار، باور به ولایت فقیه به‌عنوان نایب

امام زمان است. چنین بینش و باوری یکی از اصلی‌ترین ویژگی مقاومت است. ولایت فقیه به معنای حاکمیت مجتهد جامع‌الشرایط در عصر ظهور است که شعبه‌ای از ولایت ائمه اطهار است که همان ولایت رسول خدا ۹ می‌باشد. باور به حاکمیت ولایت فقیه در عصر غیبت و در نتیجه تلاش برای تحقق چنین حاکمیتی، موجب مقاومت در برابر طاغوت و زمینه‌سازی ظهور می‌شود.

«ولایت فقیه» را می‌توان مهم‌ترین و محوری‌ترین اساس جبهه مقاومت در دوره انتظار برشمرد. براساس نظریه سیاسی اسلام، وجود حکومت در جامعه امری ضروری است و بایستگی آن، مخصوص زمان حضور پیامبر ۹ و امامان معصوم 7 نیست، بلکه با توجه ویژگی جامعیت و جاودانگی شریعت اسلام، وجود حکومت در عصر غیبت نیز امری ضروری است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۳۷۰).

بیشتر مفسران شیعه عنوان «اولی الامر» را با توجه به روایات و قرائن داخلی در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹) به ائمه معصوم : تفسیر کرده‌اند. برخی مفسران معاصر معتقدند عنوان «اولی الامر» در آیه، ظاهر در معصومان : است و آنان اولی‌الامر بالاصاله هستند؛ ولی در عصر غیبت معصوم 7 طبق رهنمود عقل و نیز به دستور خود معصومان :، نایبان ایشان اولی‌الامر هستند، اما اولی‌الامر بالتبع، نه بالاصاله. همان‌گونه که در عصر حضور و ظهور معصوم، نایبان خاص، بسیاری از کارها را بر عهده داشتند و مباشرت خود معصوم شرط نبود، در عصر غیبت نیز نایبان عام، اداره امور را به دست دارند؛ البته نایبان عام و منصوبان امامان معصوم : در مسئله رهبری و حکومت، عالمان و فقیهانی هستند که از شرایط فقاہت، عدالت، تدبیر، توان مدیریت حکومت و اداره جامعه اسلامی و شجاعت برخوردار باشند (نساء: ۵۹).

خداوند در آیه ۲۵۷ بقره ولایت و حکومت را به دو دسته تقسیم می‌کند: ۱. ولایت الله، ۲. ولایت طاغوت؛ بنابراین اگر حاکم و هدایت‌کننده مردم احکامی غیر از احکام خدا را در جامعه عملی کند، قطعاً طاغوت خواهد بود. برای قرار گرفتن در لوای ولایت الله باید فردی دین‌شناس در رأس حکومت باشد تا مردم تحت ولایت خدا قرار بگیرند،

وگرنه حاکم غیردینی مردم را به مسیری غیر از صراط مستقیم هدایت می کند و این همان طاغوت است که قرآن وعده آتش به پیروان آن می دهد.

امام عصر 7 در پاسخ اسحاق ابن یعقوب که درباره وظیفه مسلمانان در قبال رویدادهای جدید عصر غیبت می پرسد، می فرماید: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةٍ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ». حضرت مهدی 7 با این بیان، فقها را نواب عام خود بر مسلمانان قرار داده اند (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۹۱)؛ بنابراین فقیهان در عصر غیبت، نایب امام زمان اند. ولایت پذیری ایجاب می کند شأن و جایگاه آنان را محترم شمرده، از آنان متابعت کنیم؛ چون این ولایت پذیری نماد حرکت در خط حضرت مهدی 7 است. نمونه های این متابعت در طول تاریخ غیبت فراوان است که عصر ما در پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، خودش را نشان داد.

امام خمینی فرمود: «اگر فقهای اسلام از صدر اسلام تا حالا نبودند، الان ما از اسلام هیچ نمی دانستیم. این فقها بودند که اسلام را به ما شناساندند و فقه اسلام را تدریس کردند و نوشتند و زحمت کشیدند و به ما تحویل دادند و ما باید همین جهت را حفظ کنیم» (امام خمینی، ۱۳۸۰، ج ۱۵، ص ۱۵۰).

فقیهان جامع الشرایط، مرزبانان مکتب و مدافعان شریعت و هدایتگران مردم و پاسخ دهندگان به پرسش ها و نیازهای دینی و فقهی امت قرار داده شده اند و برای این کار، پاداش عظیم دارند و باید همواره در فکر پیروان اهل بیت : باشند و آنان را از وسوسه های شیاطین و شبهه افکنی های مخالفان مصون سازند (صفر، ۱۴۰۴ق، ص ۱۰؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۲). مردم نیز باید عالمان دین را پناهگاه فکری و دینی خویش بدانند و در برابر وظیفه شرعی که از سوی فقها بیان می شود، حالت پذیرش و «تعبد» و عمل داشته باشند و فریب شبهات و تبلیغات منفی دشمنان را نخوردند.

۲-۱-۳. شهادت طلبی

یکی از راهبردهای مقاومت در دوره انتظار روحیه شهادت طلبی و جهاد در راه خدا است. در فرهنگ شیعی، شهادت طلبی و جهاد فی سبیل الله یکی از مفاهیم والا، آرمانی

و مقدس است که باید در خانواده و جامعه اسلامی گسترش یابد. در این صورت می‌توان از آن در قالب سرمایه اجتماعی اسلامی یاد کرد. فرهنگ شهادت‌طلبی نباید به صورت یک حرکت انقلابی و در مواقع و مقاطع حساس و حیاتی (به تقلید از حماسه عاشورا) معرفی شود، بلکه باید به مثابه اقدام امیرمؤمنان 7 در واقعه لیلۃ‌المبیت به یک سمبل فردی و خودجوش و مرتبط با ولایت و متضمن تمامی شرایط ویژه از جمله بصیرت، صداقت، محبت باشد، به گونه‌ای که هر فردی که خود را جزو جامعه اسلامی می‌داند، در صلح و جنگ، آسایش و بحران، فقر و غنا، ضعف و توان، پیشرفت و عقب‌ماندگی و خلاصه در همه جا خود را فدایی آرمان‌های بلند اسلام بداند، بماند و بنماید.

بنابر آنچه گفته شد یکی از مؤلفه‌های کلیدی مقاومت در استکبارستیزی در فرهنگ شیعه، روحیه شهادت‌طلبی و جهاد فی سبیل الله است. براساس خطبه 27 نهج البلاغه، انسانی که معتقد به قیامت است، به زرق و برق دنیا دل نبسته و جهاد فی سبیل الله را دری از درهای بهشت می‌داند که خداوند آن را برای بندگان خاصش می‌گشاید و شهادت را حیات واقعی و زندگانی ابدی می‌داند.

فرهنگ سیاسی شیعه نقش مثبت و مؤثری در ایجاد روحیه شهادت‌طلبی داشته است. یکی از نمادهای مهم در گستره دین و مذهب شیعه به عنوان مقوله‌ای تأثیرگذار بر روحیه جهاد و شهادت‌طلبی، حادثه عاشورا است. فرهنگ ایثارگری و جهاد و شهادت را می‌توان فرهنگ اصلی شیعه در مقاومت در دوره انتظار دانست که بارها کارآمدی خود را در عرصه‌های مختلف به اثبات رسانده است.

۲-۱-۴. دشمن‌شناسی

یکی از راهبردهای مهم مقاومت در دوره انتظار، دشمن‌شناسی است. تردیدی نیست که برای برقراری جامعه اسلامی و تثبیت آن باید دشمنان و ابزارهای دشمنی آنان را شناخت که بدون شناخت، عرصه مبارزه با آنان در عصر انتظار، راه به جایی نخواهد برد. چه بسا بصیرت کافی نداشتن در شناخت دشمن سبب پناه‌بردن به دامن دشمن برای

رهایی از آن باشد. امام صادق 7 بصیرت را شرط اساسی هر اقدامی دانسته، می‌فرماید: «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ شُرْعَةَ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا عَنِ الطَّرِيقِ؛ کسی که کاری را بدون بصیرت انجام دهد، دستاورد سرعت در انجام کار، چیزی جز دوری از هدف برایش نخواهد بود؛ همان‌طور که شخصی که راهی را نشناخته برود، از مسیر دورتر می‌شود» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۳). با توجه به همین ضرورت، آیات بسیاری به مسئله دشمن‌شناسی اختصاص دارند (فرقان: ۳۱؛ تغابن: ۱۴؛ فاطر: ۶؛ مائده: ۸۲) و این نشان از اهمیت این مقوله دارد؛ زیرا به تعبیر آیات قرآن برخی از این دشمنان از ابتدای خلقت انسان به همراه او بوده‌اند و تا آخر هم او را رها نخواهند کرد. تا جایی که بزرگ‌ترین دشمن انسان یعنی شیطان رانده شده به دشمنی با انسان قسم می‌خورد: «قَالَ فِعْرَنَكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» (ص: ۸۲). خداوند در قرآن انواع دشمنان جنی و انسی مؤمنان و جامعه اسلامی، ابزارها و شیوه‌های دشمنی و راه‌های مقابله با آنان را برای مسلمانان بیان می‌کند و بر دوری و تبری از آنان تأکید می‌کند، مانند «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمنان من و دشمنان خودتان را دوست مگیرید» (ممتحنه: ۱). هدف از تأکید بر دشمن‌شناسی در قرآن این است که مؤمنان معیارهای لازم و کافی برای شناخت دشمن داشته باشند و مانع چیرگی و سلطه آنان بر مسلمانان شوند. اوصاف و اهدافی که قرآن برای بیگانگان می‌شمارد، اختصاص به زمان خاص ندارد، بلکه ترسیم‌کننده چهره دشمن در هر زمان و در هر شرایطی است.

۲-۲. راهبردهای گرایشی

۲-۲-۱. اتحاد و دوری از تفرقه

در موضوع مقاومت در قرآن کریم، همواره اتحاد و همبستگی، یکی از عوامل اساسی و تأثیرگذار در رویارویی با جبهه کُفر و دشمنان است (رک: بقره: ۲۱۳؛ آل‌عمران: ۶۴؛ انعام: ۱۵۳؛ صف: ۴). سیاست شوم و نامبارک «فَرَّقْ تَسُدْ؛ تفرقه‌بینداز و حکومت کن» که از ابزارهای قدیمی دشمنان اسلام برای ایجاد شکاف در صفوف امت واحده اسلامی برای

سیطره یافتن بر امکانات مادی و معنوی آنان است، ایجاب می کند همواره راهکارهای مقابله با آن را از طریق رهنمودهای وحدت آفرین قرآن بهره گرفت و آن را به صورت عملی در جامعه اجرا کرد؛ چراکه بدون تردید، اتحاد و همدلی، موجب قدرت و بازدارندگی و اختلاف و تفرقه موجب ضعف و آسیب پذیری است.

خداوند در آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳) جامعه اسلامی را به وحدت که از بزرگ ترین عوامل موفقیت جامعه در سختی ها است، دعوت می کند. اتحاد نیازمند محور است و خدای متعال محور آن است. مراد از «حبل الله» در آیه، دین خدا است که ریسمان و رابطه ای میان خدا و خلق است. از دیدگاه قرآن وحدت به قدری مهم است که حتی باید با اهل کتاب نیز بر حول محور آن برخورد کرد و با پُررنگ کردن مشترکات اسلام با آنها، از ایجاد تنش و خصومت دوری جست. یکی از عوامل تفرقه اختلافات اجتماعی است. چنانچه اختلافات اجتماعی از حد طبیعی فراتر رود، موجب تفرقه در جامعه می شود که نوعی آسیب اجتماعی و زمینه ساز بسیاری از انحرافات در جامعه است. قرآن کریم ضمن بر حذر داشتن از تفرقه، کشمکش های اجتماعی را موجب سستی خوانده است: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَّزِعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال: ۴۶).

۲-۲-۲. اقتدار و توانمندسازی

یکی از راهبردهای مهم مقاومت در دوره انتظار اقتدار و توانمندی مسلمانان و عدم وابستگی آنان به بیگانگان است. این توانمندی در عرصه های مختلف اقتصادی، نظامی، علمی و سیاسی باید ایجاد شود. جامعه توانمند، همواره بر جامعه جهانی تأثیر گذار است و می تواند از عهده زمینه سازی برای حکومت مهدوی بر آید؛ در حالی که جامعه ضعیف و وابسته، مجبور است برای حفظ موجودیت و منافع خود در مقابل خواست بیگانگان منفعل عمل کند و نتواند دستاوردهای اسلامی را پاس دارد و آنها را در سطح جهان تبلیغ کند؛ بنابراین، شرط اساسی برای زمینه سازی انقلاب مهدوی، اقتدار و عدم وابستگی است.

خداوند مسلمانان را به داشتن قدرت بازدارنده (اقتصادی، نظامی و...) به منظور جلوگیری از تجاوز سلطه‌جویان و جهان‌خواران و ایجاد ترس در دل دشمنان ترغیب می‌کند: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُزْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» (انفال: ۶۰).

۲-۲-۳. امید به پیروزی

خداوند به مسلمانان وعده پیروزی داده و آنان را به پیروزی امیدوار کرده است؛ ولی این امید و وعده الهی در گرو مقاومت و ثبات قدم در برابر دشمن است. خداوند پس از آنکه از مؤمنان می‌خواهد در تصمیم خود سستی نکرده، از شکست در جنگ احد اندوهگین نباشند، ثابت‌قدم‌بودن در ایمان را شرط برتری آنان دانسته است: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل‌عمران: ۱۴۹). برخی پس از تفسیر کلمه «الْأَعْلَوْنَ» به پیروزی، بر این باورند که این آیه، صریح در وعده پیروزی است (قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۴۱۶).

از برخی آیات فهمیده می‌شود اگر مسلمانان مورد ظلم واقع شوند و آنان در برابر ظالمان مقاومت کنند، خداوند پیروزی را نصیب آنان خواهد کرد. «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج: ۳۹). این آیه به پیکارکنندگان ستم‌دیده در برابر ظالمان، وعده پیروزی داده است. وعده در این آیه، زمینه‌ساز وعده در آیه بعد است که می‌فرماید: «وَلِيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج: ۳۹)؛ یعنی اگر مسلمانان دین خدا را یاری کنند، مشمول وعده پیروزی قطعی خدا خواهند شد.

همچنین در آیه «قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِيهِمْ وَيُنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ» (توبه: ۱۴) عذاب و خواری دشمن و چیرگی مسلمانان بر مشرکان و شفای دل مؤمنان را نتیجه مهم کارزار و مقاومت شمرده است. همچنین در آیه «لَكِنَّ الرَّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَقْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (توبه: ۸۸) همه خوبی‌ها و رستگاری را پاداش کسانی دانسته که با پیامبر و آنان که به او ایمان آورده‌اند با مال و جانشان جهاد می‌کنند. مفسران خیرات در

این آیه را به معنای رسیدن به پیروزی و غنیمت در دنیا و بهشت و کرامت در آخرت تفسیر کرده‌اند.

۲-۲-۴. دوری از وابستگی به بیگانگان

از دیگر راهبردهای اصولی مقاومت در دوره انتظار عدم وابستگی به دشمنان است: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمَسَّكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» (هود: ۱۱۳). از آنجا که نهی از «رکون»، در آیه مطلق است، شامل رکون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و دیگر انواع وابستگی‌ها می‌شود.

برخی مفسران از این آیه چند نکته برداشت کرده‌اند:

الف) نباید به ستمکاران تمایل داشت و نباید قدرت آنان مایه دلگرمی و تسکین خاطر در برابر مشکلات باشد. بنابر این تفسیر، در حقیقت مورد نهی در آیه، نوعی دلباختگی است.

ب) نباید به قدرت و عملکرد ستمکاران دلگرم شد که استوار و ماندنی نیست. این معنا بیانگر ضرورت روحیه اعتماد به نفس برای جامعه اسلامی است.

ج) نباید مسلمانان در شئون فردی و اجتماعی به ستمکاران به گونه‌ای نزدیک شوند که با نوعی اعتماد و اتکا همراه باشد و موجب کاهش پاکی، خلوص و مصونیت در کارها گردد.

ه) نباید با ستمکاران (کافران، مشرکان) در هیچ کاری همکاری و همسویی داشت و نسبت به اعمال آنان رضایت خاطری ابراز کرد و از دوستی با آنان و خیرخواهی و اطاعت از آنان خودداری کرد. می‌توان گفت عبارت «ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» در ذیل آیه نشان‌دهنده این است که رکون مورد نهی حالت یا عملی است که همراه با نوعی امیدواری و انتظار نصرت و یاری از ستمکاران است که آیه ضمن اشاره به پی‌آمد ناگوار رکون به این نکته هم تأکید می‌کند که سرانجام به کمکی که از ستمکاران انتظار داشتید هم نخواهید رسید و نصرت الهی را هم از دست خواهید داد (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۵۳).

۲-۲-۵. عدالت خواهی

یکی از شاخصه‌های جامعه اسلامی، عدالت است. بدیهی است در دوره انتظار با عدالت خواهی و مبارزه با تبعیض‌ها، جلوی بسیاری از ظلم‌ها و نابرابری‌ها گرفته می‌شود. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ» (اعراف: ۲۹) عدالت در این آیه تمام حیطه‌ها و قوانین جامعه را شامل می‌شود. از آنجا که اجرای عدالت فلسفه بعثت انبیا در جهان بوده و تاکنون این هدف مقدس به‌طور کامل در سراسر جهان برقرار نشده است، خداوند آخرین حجت خود را ذخیره کرده تا هنگام موعود قیام کند و زمین را از عدل و داد پر سازد؛ از این رو یکی از محورهای اساسی «راهبردهای مقاومت در دوره انتظار» تلاش برای تحقق عدالت در دوره غیبت و مقابله با حکومت طاغوت و نامشروع دانستن همکاری و همراهی با آنان است. گسترش عدالت فضیلتی به‌شمار می‌رود که نظام طبیعت بر آن مبتنی است و بشر آن را معیاری برای رفتار اجتماعی به رسمیت می‌شناسد؛ از این رو جامعه‌ای می‌تواند زمینه‌ساز ظهور منجی باشد که اجرای عدالت را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده باشد. اگر جامعه و حکومتی بر اساس سلطه‌گری و ظلم پی‌ریزی شود، ناپایدار و زوال‌پذیر خواهد بود؛ بر همین اساس معتقدان به مهدویت، در دوره انتظار سعی می‌کنند در راه اجرای عدل و قسط در جامعه و مبارزه با ظلم قدم بردارند و از این طریق، جامعه را برای ظهور بزرگ پرچمدار عدالت مهیا سازند.

عدالت گستری و ظلم‌ستیزی یکی از آرمان‌های و شاخصه‌های مهم حکومت جهانی امام مهدی ۷ است (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۲۳۳). به این آرمان و شاخصه در روایات اشاره شده است: «الَّذِي يَمْلُؤُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ص ۱۶۱). در بعضی ادعیه می‌خوانیم: «أَيْنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ دَائِرِ الظُّلْمَةِ، أَيْنَ الْمُنتَظَرُ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ وَ الْعِوَجِ، أَيْنَ الْمُؤْتَجِي لِإِلَازَةِ الْجَوْرِ وَ الْعُدْوَانِ» (ابن طاووس، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۰۸). از این رو کسانی خواهند توانست همراه آن حضرت برای قطع ریشه‌های ظلم و بی‌عدالتی، استوار بمانند که خود، از ظلم‌گریزان و از ستم پیراسته باشند.

رویاری صریح و آشتی‌ناپذیر با حاکمان باطل و برخورد با همه مصادیق ظلم و مقاومت در برابر طاغوت، از جمله راهبردهای جامعه اسلامی در دوره انتظار است که

در جهت استمرار اهداف رسالت محمدی و ولایت علوی گام برمی دارد. جامعه‌ای که زمینه‌ساز پذیرش حکومت جهانی امام مهدی 7 است، باید پایبند به اصل ظلم‌ستیزی و سازش‌ناپذیری با جباران و مستکبران باشد و در راه مبارزه با سلطه جهان‌خواران از هیچ اقدام مدبرانه‌ای کوتاهی نکند.

۲-۲-۶. نفی سلطه و سرپرستی کافران

یکی از اصول مهم در راهبردهای مقاومت در دوره انتظار نفی سلطه کافران است. قرآن کریم با بیان‌های گوناگون، نفی سلطه بیگانگان بر مسلمانان را مطرح کرده است (مائده: ۵۱-۵۲؛ آل‌عمران: ۱۴۹-۱۵۰؛ هود: ۱۱۳ و...). بنابر این آیات، یکی از اصول مسلم اسلامی، قطع هرگونه سلطه بیگانگان بر مؤمنان در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است (رک: مطهری، ۱۳۶۶، صص ۶-۱۱). بنابر آیه «...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) خداوند کمترین سلطه‌ای را برای کافران بر مؤمنان تشریح نکرده است. از آنجا که مفاد حرف «لن» نفی ابد است، کافران هیچ‌گاه در هیچ زمینه‌ای (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی) نباید بر مسلمانان سلطه پیدا کنند.

از آنجا که پذیرش سلطه بیگانگان موجب دخالت و تصرف آنان در شئون مسلمانان می‌شود، خداوند برای حفظ هویت دینی جوامع اسلامی، آنان را از پذیرش ولایت و سلطه کافران نهی کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، صص ۳۶۸-۳۷۴). براساس آیه ۱۴۱ نساء انعقاد هرگونه پیمان سیاسی و معاهداتی که موجب سلطه‌جویی و نفوذ بیگانگان در جامعه اسلامی شود باطل و نامشروع است؛ اما چنان که کافران قصد سلطه‌جویی بر مسلمانان را نداشته باشند با رعایت مصلحت جامعه اسلامی می‌توان با آنان پیمان همکاری و معاهدات علمی بست (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۸، صص ۱۳۵-۱۳۷؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۷، صص ۵۱۲-۵۱۳).

براساس آیه «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ» (آل‌عمران: ۲۸) مؤمنان نباید در نظام زندگی خود با کافران روابط صمیمانه و سلطه‌پذیرانه برقرار کنند و اجازه تصمیم‌گیری و تصرف در امور خود را به آنان دهند. همچنین در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ

خَبَالًا» (آل عمران: ۱۱۸) خداوند مسلمانان را از دوستی با اهل کتاب و کافران - که زمینه سلطه و حاکمیت آنان می‌شود - بر حذر داشته است.

۲-۲-۷. عزت طلبی

از دیگر راهبردهای مهم مقاومت در دوره انتظار تلاش برای دستیابی به عزت در برابر کافران است. عزت به معنای نیرومندی، نفوذناپذیری و پیروزی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۳۷۴) در برابر عزت، ذلت است که به معنای خفت در برابر کسی است که برتر است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۱۱۴). بر اساس آیات، عزت کامل برای خداوند است: «فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (فاطر: ۱۰)؛ اما پس از خداوند هر کس در صفات، به خدا نزدیک تر باشد و در این مسیر حرکت کند از عزت برخوردار می‌شود: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: ۸). خداوند برای اینکه نیرومند و مقتدر است شکست‌ناپذیر است؛ از این رو پیروزی خود و رسولانش را بر تکذیب‌کنندگان مقرر کرده است: «كُتِبَ اللَّهُ لَأَعْلَيْنَا أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (مجادله: ۲۱). به گفته برخی مفسران پیروزی خدا و پیامبرش بر اهل باطل و گمراهی و خواری برای دشمنان آنان، از مقدرات الهی است. یاری کردن حق و مدافعان آن، وعده‌ای خدایی است؛ چراکه عاقبت، همواره برای حق و یاران آن است (خطیب، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۸۴۴). برخی در تفسیر آیه «تُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَذِلُّ مَنْ تَشَاءُ» (آل عمران: ۲۶)، می‌نویسند: «عزتی بزرگ‌تر از همکاری و همیاری برای گسترش دعوت به حق و ایستادگی در برابر باطل نیست؛ اگر همکاری بر پایه قانون خدا باشد. در پیدایش آن عزت و قوت، کم و زیاد بودن جمعیت اهمیتی ندارد» (مراغی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۳۱ - ۱۳۲). بدیهی است عزت زمانی برای مؤمنان وجود دارد که آنان در ایمان خود ثبات قدم باشند و در برابر دشمنان دین مقاومت کنند و در به‌دست آوردن چیزهایی که موجب عزت مسلمانان است، تلاش کنند.

۲-۳. راهبردهای کنشی (رفتاری)

۲-۳-۱. تقوا پیشگی

قرآن کریم فراوان، به تقوا سفارش کرده و از مؤمنان خواسته در سراسر زندگی آن

را فراموش نکنند. حفاظت نفس از آلوده شدن به ناشایستگی‌ها و تقواییشگی از راهبردهای مهم کنشی است که نقش مهمی در رسیدن انسان به اهداف الهی دارد. قرآن با بیان‌های گوناگون به تقوا سفارش کرده و آثار معنوی و مادی فراوانی برای آن بیان کرده است؛ آثاری همچون نترسیدن و محزون نشدن: «فَمَنْ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (اعراف: ۳۵)؛ آرامش درونی که در سایه تقوا به دست می‌آید، موجب نترسیدن در برابر سختی‌ها و ایجاد مقاومت می‌شود؛ شناخت حق از باطل: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا...» (انفال: ۲۹)؛ فرقان همان نیرویی است که انسان با وسیله آن، حق را از باطل تشخیص می‌دهد؛ درحقیقت تقوا سبب بصیرت‌افزایی در دوره‌های فتنه می‌شود.

علامه طباطبایی درباره تقوا می‌نویسد: تقوا نوعی احتراز و اجتناب از عذاب الهی است و این تقوا وقتی حاصل می‌شود که انسان، اوامر الهی را پیروی کند و از ارتکاب نواهی و محرمات الهی پرهیز کرده، در برابر نعمت‌های خدا، شاکر و در برابر مصیبت‌ها صابر باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۶۷). قرآن مجید برای سوق دادن افراد به سوی تقوا، به بیان نعمت‌هایی که به متقیان خواهد رسید، پرداخته و آنان را به رسیدن به نعمت‌های دنیوی و اخروی بشارت داده است (اعراف: ۹۶). گاهی نیز آنان را وعده داده که اگر تقوا پیشه کنند، امدادهای غیبی خود را به کمک آنان خواهد فرستاد (آل عمران: ۲۱۵)؛ همچنین در بعضی آیات، بصیرت پیدا کردن، نجات از گرفتاری‌ها و مشکلات و آسان شدن امور را در گرو تقوا دانسته است.

۲-۳-۲. صبر و پایداری

صبر و پایداری در راه آرمان جهانی موعود و روحیه استقامت تا رسیدن به این هدف، یکی از مهم‌ترین راهبردهای رفتاری مقاومت در دوره انتظار است و چه بسا بتوان صبر و پایداری را بن‌مایه اصلی انتظار دانست، به گونه‌ای که با ازدست رفتن صبر و پایداری در امری، انتظار آن بی‌معنا است. در بسیاری از روایات، صبر و انتظار فرج در کنار هم آمده است. در برخی روایات،

با تعبیر «انتظارُ الفرجِ بالصَّبْرِ»، گویا صبر، جان‌مایه انتظار دانسته شده و در برخی دیگر، انتظاری عبادت شمرده شده که با صبر محقق شده باشد: «انْتَظِرُوا الْفَرْجَ بِالصَّبْرِ عِبَادَهُ؛ انتظار فرج همراه با صبر عبادت است» (مجلسی، ۱۳۹۷، ج ۵۲، ص ۱۴۵). امام رضا ۷ در باره همراهی صبر با انتظار می‌فرماید: «مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ انْتِظَارَ الْفَرْجِ؛ صبر همراه با انتظار فرج چه نیکو است» (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۴۵).

براساس اندیشه توحیدی در مقاومت، مشکلات و سختی‌ها براساس مقدرات الهی شکل می‌گیرد؛ بنابراین باید در سختی‌ها مقاومت و صبر کرد و بر خدا توکل کرد: «قُلْ لَنْ يَصِيَّبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (توبه: ۵۱).

مشکلات لازمه زندگی دنیایی است؛ ولی باید توجه داشت که سختی‌ها و گرفتاری‌ها دائمی نیستند. اگر صبر و بردباری باشد، آسانی و گشایش فرا خواهد رسید: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (شرح: ۶). پرهیزگاران با ایستادگی، سرانجام نیک را از آن خود می‌کنند: «وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف: ۱۲۸).

خداوند درباره نتیجه صبر و بردباری بنی‌اسرائیل می‌فرماید: «وَ أَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشْرِقَ الْأَرْضِ وَ مَغْرِبَهَا الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا»؛ و مشرق‌ها و مغرب‌های پربرکت زمین را به آن قوم به ضعف کشانده شده (زیر زنجیر ستم) و اگذار کردیم و وعده نیک پروردگارت بر بنی‌اسرائیل، به سبب صبر و استقامتی که به خرج دادند، تحقق یافت» (اعراف: ۱۳۷). بنابر این آیه علت پیروزی بنی‌اسرائیل بر مستکبران مقاومت آنان است که به این وسیله وارث سرزمین‌های شرق و غرب سرزمین شام و فلسطین شدند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۲۲۸).

۲-۳-۳. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر یکی از راهبردهای اساسی مقاومت در دوره انتظار است. چنانچه در عصر غیبت به احکام شریعت اسلامی توجه شود، انجام معروف در تمام محیط‌های اجتماعی اثر مطلوب دارد و موجب استحکام ارزش‌های اخلاقی در جامعه می‌شود و درمقابل، آنچه موجب تزلزل و عدم استحکام محیط شود، در دایره

منکرات قرار می‌گیرد. با اجرای امر به معروف و نهی از منکر که نوعی مراقبت عمومی متقابل به‌شمار می‌آید، تمام جامعه در برابر آسیب‌ها و هنجارشکنی‌ها محافظت می‌شود. در جامعه اسلامی مردم با شرکت فعال به رویارویی با آسیب‌های اجتماعی و قانون‌شکنی‌ها برمی‌خیزند و در پاسداری از هنجارهای دینی به وظیفه دینی خود عمل می‌کنند.

خداوند در آیات بسیاری به موضوع امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرده است، از جمله «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدید آمده، به معروف امر می‌کنید و از منکر باز می‌دارید و به خدا ایمان می‌آورید» (آل‌عمران: ۱۱۰). بنابر این آیه علت برتری امت اسلامی امر به معروف و نهی از منکر و ایمان به خدا است که نشان‌دهنده این است که لازمه ایجاد یک جامعه اسلامی پایدار امر به معروف و نهی از منکر است.

۲-۳-۴. ایثار

از دیگر راهبردهای مقاومت در دوره انتظار ایثار است، ایثار از مؤلفه‌های اثرگذار و حرکت‌آفرین در دوره انتظار برشمرده می‌شود. ایثار به معنای برگزیدن خواسته دیگران بر خواسته خود و مقدم‌داشتن مصلحت غیر بر منفعت خود است و ارزشی است که از تلاش و فداکاری در راه خدا حاصل می‌شود. خداوند در توصیف ایثار انصار در برابر مهاجران می‌فرماید: «يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يوقْ شَحْحَ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ آنان کسانی را که به سویشان هجرت کنند، دوست می‌دارند و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی‌کنند و آنان را بر خود مقدم می‌دارند؛ هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند. کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده‌اند رستگاران‌اند» (حشر: ۹).

در دوره انتظار، پیروان مهدی 7 به تبعیت از اولیای الهی سختی‌ها را به جان می‌خرند و از خوشی‌ها چشم می‌پوشند تا دیگران از این خوشی‌ها بهره‌مند باشند و از

این رهگذر قلب انسان‌ها را به قطب عالم متوجه سازند؛ چنان‌که در برخی روایات از یاران امام زمان 7 به «رفقا» یاد شده که به معنای دوستان هم‌دل، همراز، با لطف و صفا است. گویا برادران تنی‌اند: «كَأَنَّهُا رِيًّا هُم أَبُّ وَاحِدٍ أَوْ أُمَّ وَاحِدَةٌ، قُلُوبُهُمْ مَجْتَمِعَةٌ بِالْمَحَبَّةِ وَ النَّصِيحَةِ؛ گویا یک پدر و مادر آنان را پروریده‌اند. دل‌های آنان از محبت و خیرخواهی به یکدیگر آکنده است» (یزدی حائری، ۱۴۲۲ق، ص ۱۶۵).

۲-۳-۵. انجام تکالیف الهی

یکی از راهبردهای کنشی در عصر انتظار ارتباط با سرچشمه هستی و انجام تکالیف الهی است که در دوره انتظار بر عهده هر مسلمانی است، مانند اینکه خداوند نماز را که عباداتی است که موجب طهارت روح و قرب الهی می‌شود: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ان الصلاة؛ و نماز را برپا دار؛ زیرا نماز از گناهان بزرگ و آنچه [در شرع و عقل] ناپسند است باز می‌دارد» (عنکبوت: ۴۵). همچنین خداوند مؤمنان را به روزه گرفتن دعوت کرده است و این روزه هم مانند نماز به کنترل نفس، توانایی و مقاومت در برابر خواسته‌های نامشروع تقویت می‌کند. قرآن علت تشریح روزه را کسب تقوا دانسته است (بقره: ۱۸۳). یکی دیگر از واجبات که در قرآن در کنار نماز آمده توصیه به زکات است که انسان را از بی‌مسئولیتی در برابر محرومان باز می‌دارد و جامعه را از فقر که زمینه رویکرد به منکرات است باز می‌دارد.

۲-۳-۶. مبارزه با انحرافات و خرافات

از آنجا که در دوره انتظار، کجی‌ها و منکرات، گسترش می‌یابد، ایستادگی و مقاومت در برابر آنها، از جمله اقدامات مهم است. بنابر برخی روایات در این زمان به دلیل شدت فساد و تباهی، قلب مؤمن به سختی ذوب می‌شود (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۰۴). ایستادگی نکردن در برابر منکرات و بی‌توجهی به گناهان رایج در جامعه، از جمله فسادهای دوره انتظار معرفی شده است و در دوره انتظار از مصادیق اشاعه فحشا عدم توجه به فریضه امر به معروف و نهی از منکر دانسته شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۹). در

روایاتی از اینکه در آخرالزمان در برابر گناهان مقاومتی وجود ندارد، مذمت شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۳۸). انسان مؤمن می‌خواهد در برابر مفاسد قیام کند و آن مفاسد را از بین ببرد؛ هرچند رفع همه منکرات، قبل از قیام حضرت مقدر نیست. وجود شاخصه مقاومت در برابر منکرات و تلاش در مبارزه با آن در انسان منتظر بسیار اهمیت دارد. خرافات و ایجاد شبهات درباره آموزه‌های دینی یکی از انحرافات است که در دوره انتظار جامعه اسلامی با آن روبه‌رو است. آموزه‌های صحیح اسلامی در طول تاریخ مورد هجوم فرهنگی و علمی قرار گرفته و مغرضان و دشمنان در صدد نابودی یا تحریف این عقاید بوده‌اند. این فرایند در طول صدها سال تعقیب شده تا موفقیت‌هایی پیدا کرده است.

در مورد اعتقاد به مهدویت و ظهور مهدی موعود نیز تلاش‌های بسیاری برای ایجاد تحریف و خرافات و القای شبهات صورت گرفته است. خرافات و شبهاتی که در زمینه ظهور و باور مهدویت تاکنون مد نظر قرار گرفته است، بسیار هستند؛ مانند تحریف مهدویت، شتابزدگی در تحقق ظهور، تعیین وقت ظهور، تطبیق ناصحیح افراد و حوادث بر علائم ظهور، گرایش شدید به ملاقات امام زمان ۷، امیدواری بدون عمل، واسطه کردن امام زمان ۷ در نیازهای مادی، مدعیان دروغین مهدویت.

از این رو یکی از راهبردهای مقاومت اسلامی در دوره انتظار مبارزه با انحرافات و پالایش باورهای صحیح جامعه از خرافات و شبهات است تا چنین عقیده استوار و محکمی تبدیل به عامل پوچی و بیهودگی در جوامع اسلامی نشود.

تبلور رفتار مقاومتی در زمانه‌ای اوج می‌گیرد که فساد و تباهی در نهایت خود قرار دارد؛ چراکه برخلاف جریان تباهی شناکردن و به ساحل انتظار رسیدن، مقاومتی بس قوی و اراده‌ای پولادین نیاز دارد.

۲-۳-۷. مبارزه با فساد و احیای اخلاق اسلامی

یکی از راهبردهای مهم مقاومت در دوره انتظار مبارزه با مفاسد و زنده کردن اخلاق اسلامی است. وجود انواع مفاسد اخلاقی، انحرافات و کزروی‌های عقیدتی، فرهنگی،

اجتماعی و سیاسی، کم فروغی اخلاق و معنویت، گسترش ظلم و بی عدالتی، افزایش شهوترانی و هوس بازی و جهالت و دین گریزی از جمله نابسامانی هایی انکارناپذیر در جهان امروز است. همه این کاستی ها بر اثر تبلیغات فریبنده مستکبران، به تدریج رنگ ارزش و تمدن به خود گرفته است، به گونه ای که ارزش های اسلامی و فضایل و محاسن اخلاقی به حاشیه رانده شده و جهان روزبه روز به سمت تباهی پیش می رود و از کمال و سعادت واقعی و تکامل انسانی دور می شود.

هدف از آفرینش انسان رسیدن به کمال واقعی است که در عبادت و عبودیت و حرکت به سوی خدا محقق می شود و قرآن کریم درباره این موضوع می فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶). رسیدن به این هدف مستلزم پرورش فضایل اخلاقی، سبقت به سوی نیکی ها و اعمال صالح و پرستش و عدالت و تقوا است. پیامبران و امامان نیز مردم را به سوی این فضایل دعوت می کردند؛ بنابراین اصلاح مردم و تغییر بنیادین رفتارها و گفتارهای غیر اخلاقی از مهم ترین اقدامات در دوره انتظار است.

در فرهنگ اسلامی به تربیت ایمانی و روحی و رشد و تعالی اخلاقی و معنوی افراد جامعه توجه خاص شده است و به فراهم کردن ابزارهای لازم برای رسیدن به این هدف و برطرف ساختن موانع آن سفارش شده است؛ چراکه این امر بر اثر بهبودی وضع اجتماع حاصل می شود و محیط ناسالم و فاسد اجتماعی زمینه مساعدی برای رسیدن به کمالات و ارزش های عالی نیست. از سوی دیگر، باورها و اخلاق مردم تأثیر مستقیمی در رفتار اجتماعی آنان دارند.

اعتقادات و فضایل و رذایل اخلاقی در رفتار انسان ها تأثیر دارند؛ از این رو به اوضاع اجتماعی و باورهای مردم نباید بی توجهی شود و باید در زمینه تقویت مبانی اعتقادی مردم و تربیت اخلاقی و معنوی آنان و اصلاح محیط اجتماع مسئولیت پذیرفت و طرح ها و برنامه هایی ویژه پیش گرفت.

برنامه ریزی صحیح جامعه در همه ابعاد به سمت رشد اخلاقی و فکری، تکامل

معنوی و پیشرفت علمی هدایت و راهبردی است. باید باورها و رفتارهای مردم اصلاح شوند تا جامعه به سمت تعالی و تکامل و پیشرفت و رفاه ره یابد و عوامل سقوط و نابودی شخصیت‌ها و موانع رشد و کمال انسانی از بین برود. بی‌گمان جامعه تنها در صورت اقامه احکام الهی از آلودگی در عصر انتظار پیراسته می‌شود و انسان‌ها در پرتو آرامش روحی به سعادت و کمال انسانی ره می‌یابند.

۲-۳-۸. دفاع از مظلومان

از دیگر راهبردهای مقاومت در دوره انتظار، دفاع از مظلومان است. در آیه ۷۵ سوره نساء نخست به جهاد در راه خدا دعوت شده، سپس سخن از مستضعفان و مظلومانی به میان آمده است که دشمن سنگدل، آنان را آن‌چنان تحت فشار قرار داده که راضی به ترک خانه و کاشانه خود شده‌اند. به نظر می‌رسد این دو در واقع به یک معنا بازمی‌گردند؛ چرا که یاری این‌گونه مظلومان مصداق روشن جهاد فی سبیل الله است: «و مالکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذِهِ الْقَرْیَةِ الظَّالِمِ اهلُهَا و اجعل لنا من لَدُنْكَ نَصیراً؛ چرا در راه خدا و برای رهایی مردان و زنان و کودکانی که به دست ستمگران تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟ همان مظلومانی که می‌گویند: خدایا ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند بیرون ببر و از سوی خود، برای ما سرپرستی قرار ده و از جانب خود، برای ما از سوی خود یار و یآوری مقرر فرما» (نساء: ۷۵).

از پیامبر اکرم ۹ روایت شده است: «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا یُنَادِیَ یَا لِّلْمُسْلِمِیْنَ فَلَمْ یُجِبْهُ فَلَیْسَ بِمُسْلِمٍ؛ هر کس صدای مظلومی را بشنود که از مسلمانان کمک می‌طلبد و به کمک او نشتابد، مسلمان نیست» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۶۴). امام علی ۷ نیز خطاب به امام حسن و حسین : فرمود: «كُونَا لِظَالِمٍ حَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا؛ دشمن ظالم و یار مظلوم باشید» (نهج البلاغه، نامه ۴۷)؛ بنابراین دفاع از مظلوم وظیفه هر مسلمانی است (هرچند مظلوم غیرمسلمان باشد) و از راهبردهای اساسی در عصر انتظار است.

نتیجه گیری

در دوره غیبت امام زمان 7 یکی از وظایف مسلمانان انتظار فرج و ظهور آن حضرت است. از انتظار دو برداشت شده است: برداشت مثبت و سازنده و برداشت منفی و مخرب. انتظار مثبت و سازنده دارای راهبردهایی است که بدون توجه به این راهبردها، در مفهوم انتظار و عمل به لوازم انتظار انحراف رخ خواهد داد. این راهبردها در سه عرصه بینش، گرایش و کنش وجود دارند. در هر سه عرصه باید بر راهبردها ایستادگی و مقاومت کرد؛ بنابراین منتظران در دوره غیبت باید در برابر انحرافات فکری ایستادگی کنند، تسلیم گرایش‌های انحرافی نشوند و با مقاومت و ایستادگی در راه مستقیم گام بردارند؛ بنابراین یکی از موضوعات مهم در دوره انتظار مقاومت در برابر مستکبران است. برای پیروزی در برابر استکبار باید مباحثی عقیدتی و فکری مانند اندیشه حکومت جهانی و زمینه‌سازی برای حاکمیت حق، پیروی از ولایت فقیه و عدالت‌گستری و نفی سلطه دشمنان را ترویج کرد. برای پیروزی در اهداف، دشمن‌شناسی امری لازم است و برای دستیابی به اهداف شهادت‌طلبی و جهاد فی سبیل‌الله گزینه اصلی است. برای رسیدن به ایده زمینه‌سازی حکومت مهدوی باید از تفرقه دوری کرد و برای قدرتمند شدن تلاش کرد و امید به پیروزی داشت و در راه رسیدن به این هدف از تقوا و صبر و پایداری و ایثارگری کمک گرفت و در انجام وظایف الهی سعی کرد و با جریان‌های انحرافی مبارزه کرد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم.
* نهج البلاغه.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه (تحقیق: علی اکبر غفاری). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲). الخصال (تحقیق: علی اکبر غفاری). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۳. ابن شعبه حرانی، حسن. (۱۴۰۴ق). تحف العقول. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۴. ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۷۶) الاقبال (تحقیق: جواد قیومی اصفهانی). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۵. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (چاپ سوم). بیروت: دار صادر.
 ۶. امام خمینی، سیدروح الله. (۱۳۸۰). صحیفه نور. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی .:
 ۷. انوری، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: انتشارات سخن.
 ۸. بستانی، فؤاد افرام. (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی (چاپ دوم). تهران: انتشارات اسلامی.
 ۹. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۹). ولایت فقیه، ولایت فقاها و عدالت. قم: مرکز نشر اسراء.
 ۱۰. خطیب، عبدالکریم. [بی تا]. التفسیر القرآنی للقرآن. [بی جا]: [بی نا].
 ۱۱. راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن (تحقیق: صفوان عدنان داودی). دمشق: دارالعلم الشامیه.
 ۱۲. زبیدی، سیدمحمد مرتضی. (۱۴۲۸ق). تاج العروس فی شرح القاموس. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۱۳. صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۴۲۱ق). منتخب الاثر. قم: مؤسسه السیدالمعصومه 3.
 ۱۴. صدری افشار، غلامحسین. (۱۳۸۱). فرهنگ معاصر فارسی. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
 ۱۵. صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات (تحقیق: محسن کوجه باغی). قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.

۱۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر نشر اسلامی.
۱۷. طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵) مجمع البحرین. تهران: انتشارات مرتضی.
۱۸. فخر رازی، محمد. (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. فضل الله، محمد حسین. (۱۴۱۹ق). من وحی القرآن. بیروت: دارالملاک.
۲۰. فیومی، احمد. (۱۴۰۵ق). المصباح المنیر. قم: دارالهجره.
۲۱. قاسمی، محمد جمال‌الدین. (۱۴۱۸ق). محاسن التأویل (معروف به التفسیر القاسمی) (تحقیق: محمد باسل عیون السود). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۲. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷). تفسیر القمی (تحقیق: سیدطیب موسوی جزایری). قم: دارالکتاب.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. گل محمدی آرمان، فریده. (۱۳۸۴). رسالت جهانی حضرت مهدی ۷. قم. دارالنشر اسلامی.
۲۵. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۹۷ق). بحار الانوار (چاپ دوم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. مراغی، احمد بن مصطفی. [بی تا]. تفسیر المراغی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۶). ولاء و ولایت‌ها. تهران: صدرا.
۲۹. معین، محمد. (۱۳۸۱). فرهنگ معین (چاپ چهارم). تهران: انتشارات ادنا.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۲). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). الغیبة (تصحیح: علی اکبر غفاری). تهران: نشر صدوق.
۳۲. یزدی حائری، علی. (۱۴۲۲ق). الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف (تحقیق: علی عاشور). بیروت: مؤسسة الاعلمی.